

دوفصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش سیاست نظری»
شماره بیست و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷: ۱۸۵-۱۴۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۱

بررسی نظری نقش فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی در تغییر رفتارهای سیاسی کردها

محمد لعل علیزاده*

مسعود غفاری**

چکیده

مقاله حاضر با هدف ساخت تئوری در باب رابطه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بر رفتارهای سیاسی کردها آغاز شد. در راستای این هدف و به منظور پاسخ به این سؤال که «چه رابطه‌ای میان فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی و تغییر رفتارهای سیاسی کردها وجود دارد؟» به تبیین تئوریک رابطه جهانی شدن و هویت‌های قومی و تبیین تئوریک رابطه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی با هویت‌های قومی خواهیم پرداخت. با ترکیب نظریه‌های یادشده، دستگاه نظری مناسب با پرسش مقاله فرموله خواهد شد و فرضیه پژوهش از این نظریه ساخته شده، استخراج خواهد شد. با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، شواهد نظری و عملی تحولات معرفت‌شناختی و تغییر رفتارها به سمت دموکراتیک گردآوری شد. با تحلیل ویژگی‌های هفده‌گانه ماهواره و اینترنت، چگونگی تغییر رفتارها به سمت مسالمت‌آمیز شدن به روش تحلیلی و توصیفی نشان داده می‌شود و با اشاره به نقش و تأثیر دایاسپورای کردی و تحلیل تغییر استراتژی آنها به سمت دموکراتیک شدن، شواهد تأثیر ماهواره و اینترنت بر تغییر رفتارها به سمت دموکراتیک شدن با شواهد و یافته‌های نظری، موردی و ثانوی در چارچوب نظریه و فرضیه پژوهش ارائه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: ماهواره و اینترنت، دایاسپورا، کردها، رفتار سیاسی و مسالمت‌آمیز.

M_lalalizadeh@yahoo.com
ghaffari@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور
** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

در دهه ۱۹۹۰ جهان وارد عصر تازه‌ای شد. با تحول در حوزه اطلاعات و ارتباطات، انقلاب فناوری اطلاعات و ارتباطات به وقوع پیوست. آثار و پیامدهای انقلاب اطلاعات حاوی شواهد آشکاری از تحول بنیادین در هزاره جدید است. ماهیت و ویژگی‌های رسانه‌های ارتباطی جدید با افزایش آگاهی عمومی، کاهش کنترل دولت‌ها بر شهروندان و تقویت صدای شهروندان و حاشیه‌ای‌ها، تحولاتی را در زمینه معرفت‌شناختی و پذیرش ارزش‌های دموکراتیک به دنبال داشته است. شواهد و مطالعات موجود، روند کلی این تغییرات را به سمت ارزش‌های مثبت ارزیابی می‌کنند. گسترش ارزش‌های دموکراتیک، تساهل و مدارا، انعطاف‌پذیری و ملایم شدن روند روابط میان بازیگران سیاسی، تحت تأثیر این ابزار ارتباطی جدید است.

جامعه کردها به عنوان بخشی از جامعه قومی ایران از تحولات موصوف تأثیر پذیرفته است. داده‌ها و شواهدی از تغییر رفتار سیاسی کردها طی دو دوره زمانی قابل مشاهده است. عوامل و متغیرهای مختلفی این تغییر رفتار را تبیین کرده‌اند. مسئله این مکتوب، بررسی نقش فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی در تغییر رفتار سیاسی کردها به سمت رفتار مسالمت‌آمیز و دموکراتیک است. در راستای بررسی این مسئله، پرسش زیر طرح شد: «ماهواره و اینترنت، چه نقشی در تغییر رفتار سیاسی کردها داشته است؟».

چارچوب نظری

برای بررسی و ارزیابی پرسش اصلی پژوهش، توصیف دیدگاه‌ها و نگرش‌های کلی درباره رابطه جهانی شدن با هویت قومی ضروری است. با بررسی و نقد دیدگاه‌های مختلف، مدل نظری پژوهش با ترکیب دیدگاه‌ها ارائه می‌شود:

دیدگاه معتقد به تشدید هویت‌های قومی در عصر جهانی شدن

برخی از نظریه‌پردازان علوم اجتماعی معتقدند که جهانی شدن موجب رشد و تشدید هویت‌های محلی و قومی می‌گردد. از دیدگاه این نظریه‌پردازان، ما در عصر جهانی شدن، شاهد وقوع جریان‌های هویتیابی قومی جدید یا نوعی قومیت جدید، یعنی رشد دولت - ملت‌های جدید خواهیم بود. جهانی شدن یا به تعبیر برخی از

نظریه‌پردازان این دیدگاه، جهانی‌سازی و جهان‌گرایی، با استفاده از ابزار و امکاناتی پروژه جهانی‌سازی را به گونه‌ای هدایت و رهبری می‌کنند که منجر به تشدید کشمکش‌های قومی خواهد شد.

برخی از نظریه‌پردازان معتقد به این دیدگاه جهانی شدن (جهانی‌سازی و دید پروژه‌ای به جهانی شدن) معتقدند که تفکر جهانی در راستای حمایت از سرمایه‌داری، بازار آزاد، حقوق بشر، کثرت‌گرایی و... دور می‌زند. در عرصه فرهنگ، جهانی شدن قلمرو ارزش‌ها، مذهب، هویت و... را در برمی‌گیرد. غرب با قرار گرفتن در مرکز استیلاطلبی و با دست گرفتن جریان یک‌طرفه فرهنگی از عقلانیت ابزاری، حمایت رسانه‌ای و تبلیغاتی، زمینه‌سازی دیپلماتیک و توان بالای اقتصادی، فناوریانه و علمی خود به منظور جهانی‌سازی شیوه زندگی آمریکایی (غربی) و لیبرال دموکراسی بهره خواهد گرفت و نتایج این اقدامات، شکستن مقاومت‌ها، استحاله فرهنگی ملل و اضمحلال تمدن‌ها و تضعیف استقلال و حاکمیت ملی خواهد بود (رجایی، ۱۳۷۹: ۳۶۱-۳۷۴؛ Roy, 2005: 16-23).

برخی دیگر از نظریه‌پردازان طرفدار فرضیه رشد قوم‌گرایی در عصر جهانی با استفاده از بحث دهکده جهانی مک‌لوهان و نظریه‌های معتقد به فشردگی زمان و مکان درصدد نشان دادن رشد حرکت‌های قومی هستند. از این منظر، رشد فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی عامل مهمی در رشد حرکت‌های قوم‌گرایانه در نظر گرفته می‌شود.

تحولات سریع در عرصه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی و در پی آن فشردگی زمان و مکان، زمینه را برای ظهور خاص‌گرایی فرهنگی و در نتیجه افزایش آگاهی قومی فراهم می‌سازد. بر اساس نظر این گروه از نظریه‌پردازان، گسترش جهانی شدن و ظهور بازیگران جدید فراملی و فروملی و تحولات ناشی از فناوری‌های ارتباطاتی نظیر ماهواره‌ها، اینترنت و شبکه‌های قوی و گسترده اطلاع‌رسانی باعث تزلزل مرزهای ملی شده و زمینه را برای تشدید حرکت‌های قومی فراهم ساخته است (Alia & Bull, 2005: ۱۳۸۱: ۱۵۹-۱۶۲).

در کنار نظریه‌های معتقد به پروژه‌ای بودن جهانی شدن و نظریه‌های متأثر از دهکده جهانی مک‌لوهان و مباحث زمینه‌ساز فشردگی زمان و مکان، برخی از نظریه‌پردازان معتقد به فرضیه تشدید حرکت‌های قومی، ضمن تأثیرپذیری از مباحث مک‌لوهان و نقش فناوری‌های جدید در آگاهی قومی، با ارائه شواهدی از فروپاشی کشورهای

چندقومی درصدد اثبات این فرضیه هستند. از این دیدگاه تجزیه کشورهای نظیر چکسلواکی، یوگسلاوی، اتحاد جماهیر شوروی و استقلال تی‌مور شرقی تحت تأثیر فرایند جهانی شدن و تحولات ناشی از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی رخ داده است (ان فراست، ۱۳۸۰: ۷۷؛ احمدی، ۱۳۸۱: ۲۵).

دیدگاه معتقد به کاهش ستیزه‌های قومی (رویکرد هم‌گرایانه)

برخی از نظریه‌پردازان معتقدند که با فرایند جهانی شدن، هویت‌های محلی در هویت‌های عام و جهان‌شمول ادغام می‌شوند. از منظر این نظریه‌پردازان، فرایند جهانی شدن با ابزار جدید به‌ویژه در زمینه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی زمینه افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابل فرادولتی را فراهم می‌سازد. شبکه‌های ارتباطی و ماهواره‌ای با جهت‌دهی به افکار عمومی بین‌المللی، میزان گفت‌وگو و تبادل میان افکار را ارتقا می‌بخشند و با ترویج ارزش‌های عام و مشترک، هویت‌های فرهنگی را به افزایش تحمل عقاید یکدیگر سوق می‌دهند. فرایند جهانی شدن با شبکه‌های ارتباطی گسترده، انسان‌های پراکنده را به یکدیگر متصل می‌سازد و با تسریع تحرک اجتماع، گسترش علم و فناوری‌ها، امکان تبادل دیدگاه‌ها در سطح وسیع، درک متقابل فرهنگ‌ها و هویت‌ها، رفع سوء تفاهم‌های میان ملت‌ها و هویت‌ها و ارتقای ارزش‌های عام و جهان‌شمول، تعصب‌های قومی، رشد حرکت‌ها و ستیزه‌های قومی را کاهش می‌دهد (رابرتسون، ۱۳۸۵: ۱۳۱-۱۳۲ و ۲۱۲؛ Dhawan, 2007: 23-25).

از دیدگاه نظریه‌پردازان معتقد به این رویکرد، فرایند جهانی شدن نتایج و آثار مثبتی را برای بازیگران فراهم می‌سازد. فرایند جهانی شدن، عامل همگرایی و نزدیکی واحدهای سیاسی، رشد دموکراسی و توسعه سیاسی خواهد شد. از این منظر فرایند جهانی شدن، فشردگی زمان و مکان و ایجاد دنیای کوچک و به‌هم‌پیوسته می‌تواند عامل امنیتی مثبتی برای جهان معاصر محسوب شود. فرایند جهانی شدن، بهترین راه برای تحقق جهانی امن در نظر گرفته می‌شود. می‌توان با مدیریت و برنامه‌ریزی‌های مناسب و استفاده از کلیه منابع و امکانات به حل و رفع مسائل جهانی پرداخت.

نگرش ترکیبی

از دیدگاه نظریه‌پردازان معتقد به این نگرش، جهانی شدن چالش‌ها و فرصت‌های

جدیدی برای بازیگران دولتی، فروملی و فراملی به همراه خواهد داشت. جهانی شدن، فرایندی ناموزون و تناقض‌ناماست. از یکسو مسائل مشترکی به عنوان اهداف مشترک، باعث نزدیکی هویت‌ها و بازیگران و در نتیجه بروز تمایلات هم‌گرایانه می‌شود؛ ابزار و فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی نظیر ماهواره، اینترنت، فاکس و شبکه‌های گسترده ارتباطاتی موجبات تسهیل این روند را فراهم کرده‌اند. از سوی دیگر، ابزار و فناوری‌های جدید موجب افزایش آگاهی شده و گرایش‌ها خودآگاهی ملی - قومی را تحریک و تشدید می‌کند (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۱۰۳-۲۰۶؛ احمدی، ۱۳۸۱: ۱۳-۳۴).

بنابراین به باور نظریه‌پردازان این نگرش، جهانی شدن مرکز ثقل مشخص ندارد و نمی‌توان این فرایند را فرصت مطلق یا تهدید مطلق در نظر گرفت. فرایند جهانی شدن همزمان دو مفهوم متناقض و متضاد را تداعی می‌کند. فرایند جهانی شدن در کنار خطرات و تهدیدات مربوط به حاکمیت ملی دولت - ملت‌ها، مرزها و اقوام و اقلیت‌های درون جامعه ملی، فرصت‌های زیادی را برای کشورها و هویت‌های فراملی و فروملی به همراه خواهد داشت. فرایند جهانی شدن با ابزار و فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی هم فرصت‌هایی جهت هم‌گرایی و نزدیکی هویت‌های قومی و ملی فراهم می‌سازد و هم تهدیداتی را برای دولت - ملت‌ها و هویت‌های قومی به همراه خواهد داشت.

تبیین تئوریک رابطه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی با هویت‌های قومی

مدرنیت به عنوان پدیده‌ای دوجبهی، هم پیامدهای مثبت و هم پیامدهای منفی به همراه داشته است. تحول نهادهای اجتماعی مدرن و گسترش جهانی آنها، زندگی خوشایند و همراه با رفاه نسبی را فراهم آورد. اما پیامدهای منفی و روی تلخی را نیز عرضه کرد.

اگر مدرنیت را پدیده‌ای ذاتاً جهانی و جهانی شدن را پیامد آن بدانیم یا از امواج مدرنیزاسیون سخن بگوییم و موج اخیر مدرنیزاسیون را با جهانی شدن هم‌زمان و همراه بدانیم، در این صورت دوگانگی و دو لبه بودن مدرنیت را در فرآیند جهانی شدن نیز خواهیم دید. اشاره شد که فرآیند جهانی شدن نیز جنبه‌ها و تأثیرات مثبت و منفی و ترکیبی هم بر حوزه‌های مختلف به طور عام و هم به طور خاص بر اقوام و هویت‌ها دارد.

بنابراین عصر جدید و پرمسئله، با فرآیند جهانی شدن و پیچیدگی‌ها و تناقضات آن، همه حوزه‌ها را فرا گرفته است. یکی از حوزه‌های مهم و اساسی و نیز ابزار اساسی جهانی شدن، فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی است. به تبع پیامدها و دوگانگی‌های مدرنیت و جهانی شدن، در عرصه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی نیز شاهد شکل‌گیری رویکردها و نگاه‌های مختلف درباره تأثیرات این فناوری‌ها هستیم. در ادامه به تأثیرات فناوری‌های جدید بر اقوام خواهیم پرداخت.

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و کاهش منازعات قومی

از دید نظریه‌پردازان این رویکرد، فناوری‌های جدید ارتباطاتی و اطلاعاتی نظیر رادیو و تلویزیون، فاکس، ماهواره، اینترنت و پست الکترونیکی، جهان را کوچک و تبدیل به یک دهکده کرده است. فضای سایبر و مجازی حاصل از فناوری‌های جدید با ویژگی‌ها خود، نتایج مثبتی را برای بشریت به همراه داشته است. بر اساس این رویکرد، ابزار جدید موجبات نزدیکی، همدلی و تفاهم ملت‌ها، دولت‌ها، هویت‌ها، اقوام، گروه‌ها و افراد را فراهم ساخته است. نوعی هم‌گرایی، همگونی و عام‌گرایی در حال شکل‌گیری است. درهم تنیدگی، وابستگی و یکدست شدن جهان حاصل انتقال عناصر فرهنگی جدید با ابزار اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید است.

برخی از نظریه‌پردازان این رویکرد، ابزار جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی را زمینه شکل‌گیری نوعی عام‌گرایی، تضعیف و کاهش منازعات قومی می‌دانند. از نظر آنها عام‌گرایی که از پیامدهای فناوری‌های جدید است، منجر به اتخاذ موضعی انعطاف‌پذیرتر، بازتر، معتدل‌تر و گرایش به تفاهم و آمیزش و انطباق شده است. در نتیجه این عام‌گرایی با ویژگی‌های آن، جایی برای تشدید و تقویت هویت‌های قومی باقی نمی‌ماند.

«دیوید بل» با بهره‌گیری از نظریه دویچ و مک‌لوهان در پی تبیین نقش ارتباطات در پدید آوردن امنیت جهانی است. از نظر او، فناوری‌های جدید ارتباطاتی این امکان را فراهم می‌سازد که تحولی عمیق در آگاهی‌ها و نگرش‌های انسانی به وجود آید و همکاری متقابل جایگزین تقابل شود (Bell, 1992: 159). بنابراین با این فناوری، امنیت ملی و بین‌المللی حفظ خواهد شد و نوعی همبستگی، پیوند و هم‌گرایی شکل خواهد گرفت.

این نگاه هم‌گرایانه و یکسان‌ساز مورد انتقاد نظریه‌پردازان دیگر قرار گرفت. نظریه مک‌دونالدی شدن ریتزر، ارزش‌های جهانی اینگلهارت، نظریه جان دبلیو میر و نظریه نیکلاس لومان در چارچوب این پارادایم یکسان‌ساز و هم‌گرایانه فرهنگی قرار می‌گیرد. همگی این نظریه‌ها از واقعیت تکثیر خصومت‌های قومی، مذهبی و ملی و کلاً خاص‌گرایی فرهنگی غافلند. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در کنار این یکسان‌سازی، امتزاج و ترکیب فرهنگ‌ها و رسوخ‌پذیری مرزها، ظهور هویت‌های چندبعدی و مجازی، تمایز، تضاد و تفاوت، خاص‌گرایی، آگاهی قومی، تنش، ستیز، تنوع و تکثر قومی، جنگ، خشونت و بنیادگرایی را نیز به همراه داشته‌اند.

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و تنش، تشدید و تقویت منازعات قومی

از نظر «مارسل مرل»، دهکده جهانی مک‌لوهان، افسانه‌ای بیش نیست و ارتباطات نه تنها موجب تفاهم متقابل نمی‌شود، بلکه موجب آشکار شدن تفاوت‌ها و تمایزها می‌گردد. از نظر او، هویت‌های فرهنگی‌ای که با رسانه‌های فراگیر تهدید و تحقیر شده‌اند، به عکس‌العمل عصیانگرانه خواهند پرداخت و حاصل این واکنش، تهدید، انسجام و یکپارچگی واحدهای سیاسی خواهد بود. مرل، نابرابری در تولید محصولات فرهنگی را نیز موجب واکنش اقلیت‌ها و اقوام می‌داند. تولید محصولاتی نظیر فیلم، نوار، موسیقی، مالکیت وسایل ارتباط جمعی و مطبوعات فراگیر به طور انحصاری در اختیار قدرت‌هاست و گاهی به ابزار نفوذ و سلطه تبدیل می‌گردد. جوامعی که هویتشان با هجوم این محصولات تهدید می‌شود، با استقلال سیاسی یا اقتصادی امکان رهایی نمی‌یابند و اگر ممکن باشد، تنها به وسیله قطع روابط فرهنگی امکان نجات دارند (مرل، ۱۳۷۴: ۳۵-۴۰).

علاوه بر نقد مرل، بسیاری از نظریه‌پردازان، نظریه هم‌گرایی و پارادایم یکسان‌ساز و به‌ویژه دیدگاه جبری مک‌لوهان درباره فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی را به چالش کشیده‌اند. نگاه جهانی‌گرانه و گلوبالیستی که عمدتاً از مک‌لوهان الهام گرفته شده، جهانی شدن فرهنگ را پدیده‌ای جهان‌شمول می‌داند که تمام مرزهای ملی، محلی و قومی را از میان برمی‌دارد و نوعی یکسانی و یکپارچگی در جهان (دهکده جهانی) برقرار می‌سازد. در مقابل این دیدگاه، محلی‌گرایان (نگاه لوکالیستی) جهانی شدن را معادل

غربی‌سازی می‌دانند.

«سرژ لاتوش» با نقد رویکرد یکسان‌ساز از غربی‌سازی جهان سخن می‌گوید و معتقد است که غرب به طور متناقضی یگانه فرهنگی است که با قدرت، عمق و سرعتی که هرگز پیش‌بینی نمی‌شد، جهانی شده است و در همان حال، یگانه فرهنگ مسلط است که از جذب و همانندسازی واقعی نه فقط بومیان، که حتی اعضای جامعه خودش ناکام است. او غربی‌سازی را به منزله ریشه‌کنی جهان می‌داند و معتقد است که فرهنگ‌زدایی و قوم‌کشی به تضعیف دولت‌های ملی می‌انجامد. به نظر او، تمدن غربی به گونه‌ای پارادوکسی ضد فرهنگی است؛ زیرا با ایده جهان‌شمول‌ساز و غربی‌ساز خود با بقای مجموعه متنوعی از فرهنگ‌های خاص محلی مخالفت می‌کند. در کنار این پروژه، او برای جهان سوم و کشورهای توسعه‌نیافته، «دید درون‌زا» و «خود باقی ماندن» را توصیه می‌کند (لاتوش، ۱۳۷۹: ۳۹ و ۶۷ و ۷۴ و ۹۰). بنابراین با این دید، فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی به عنوان ابزار غربی‌سازی جهانی هستند که با هدف یکسان‌سازی و غربی‌سازی، در نهایت تضعیف دولت - ملت‌ها و شکل‌گیری نوعی منازعه بین خاص‌گرایی و عام‌گرایی را به همراه خواهند داشت.

«داسیلوا» در بررسی رابطه مدرنیزاسیون و ناسیونالیسم قومی با نقد نظریه‌پردازان مکتب ملت‌سازی و ارتباطات به‌ویژه نقد دویچ و پای، بر این امر تأکید می‌کند که در جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه که یا مدرن شده‌اند یا در مرحله گذار قرار دارند، شاهد درگیری‌های قومی هستیم. داسیلوا با انتقاد به نظریه دویچ و پای مبنی بر جذب هویت‌های قومی در فرهنگ ملی و کاهش ناسیونالیسم قومی، شواهدی از درگیری‌های قومی در عصر ارتباطات را نشان می‌دهد. او مورد باسک در اسپانیا را به عنوان مهم‌ترین شاهد برای نقد پیش‌بینی مکتب ارتباطات در نظر می‌گیرد (Ma, 1999: 369-370).

«هالیدی» در تدوین و نگارش فصل بیستم کتاب «جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین» از ملی‌گرایی، جدایی‌طلبی و منازعات قومی در عصر جهانی شدن سخن می‌گوید. او ادغام گروه‌ها و اقلیت‌ها را در واحدهای بزرگ در عصر جهانی شدن، رد نموده، به عواملی که مغایر ملی شدن هستند و عواملی که ملی‌گرایی را ارتقا می‌بخشند، اشاره می‌کند. از نظر هالیدی، فناوری‌های جدید و ارتباطات جهانی از موانع

ملی‌گرایی و مغایر ملی‌گرایی است. هالیدی، خصوصت نسبت به رسانه‌های جهانی را موجب ارتقای ملی‌گرایی می‌داند (بلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۹۸۹-۱۰۲۱). هاجینسون و اسمیت در کتاب «ملی‌گرایی» می‌نویسند: «ظهور پسا صنعتی‌گرایی برای آینده آگاهی قومی، سازمان‌های قومی و جنبش‌های ملی‌گرایی قومی، تبعات عمیقی به دنبال دارد». از نظر این دو، سیستم‌های ارتباطات راه دور جهانی درون شبکه‌های پیچیده تبادل اطلاعاتی، افراد و سازمان‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهند و زمینه را برای ملی‌گرایی چندوجهی فراهم می‌سازند (هاجینسون و اسمیت، ۱۳۸۶: ۴۲۱-۴۲۳).

رویکرد تلفیقی به رابطه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی با اقوام

رابرت کوهن، جوزف نای، جیمز روزنا، روگی، گیدنز، رابرتسون، تاملینسون، کاستلز، لوئیس استنایدر، اس. سی. دوب، دیوید ال‌کینس، بندیکت اندرسون، مجید تهرانیان و معتمدنژاد از مهم‌ترین پژوهشگرانی هستند که به این رویکرد ترکیبی معتقدند. کوهن، نای، روزنا و روگی بر این امر تأکید دارند که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، مشکلاتی را برای حاکمیت دولت‌های ملی ایجاد کرده، آنها را ناگزیر به تمرکززدایی قدرت به سطوح فراملی و فرو ملی (محلی) می‌نماید. در واقع این فناوری‌ها با انتقال قدرت از دولت - ملت به بازیگران غیر دولتی فراملی و فروملی، موجب تغییر ساختار قدرت میان دولت‌های ملی و بازیگران دیگر می‌شوند. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، بازیگران جدیدی را در قدرت با دولت - ملت شریک می‌کند و مشکلات و چالش‌هایی برای حاکمیت ملی آنها پدید می‌آورند، اما موجب زوال آنها نمی‌شوند (Slaughter, 1997: 184-185). از نظر این نظریه‌پردازان، انتقال و جابه‌جایی قدرتی که توسط فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی رخ می‌دهد، بازی با جمع جبری صفر نیست که یک برنده نهایی و یک بازنده نهایی داشته باشد.

گیدنز، رابرتسون و تاملینسون از شاخص‌ترین نظریه‌پردازان پارادایم تلفیق و ترکیب فرهنگ‌ها هستند. گیدنز، جهانی شدن را پیامد مدرنیت می‌داند و معتقد است که با فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی، مدرنیت بنیادی شکل گرفته است. او مدرنیت بنیادی یا شدید را به عنوان رشته شرایطی در نظر می‌گیرد که در آن پراکندگی با

گرایش‌های عمیق یکپارچگی جهانی، پیوستگی دیالکتیکی دارد. از جاکندگی و جاگیری، پراکندگی در کنار یکپارچگی، گویای دیالکتیک گیدنز است. از نظر گیدنز، هیچ تعارضی میان رشد گرایش‌های ملی‌گرایانه محلی با گسترش نفوذ جهانی شدن نیست (Giddens, 1996: 48؛ گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۷۹). از دید او، جهانی شدن فراگردی چندپارچه و متناقض است. فعالیت هماهنگ سیاسی در سطح جهان و نیز محل هم‌امکان‌پذیر و هم‌ضروری است. رابرتسون با نقد دو رویکرد محلی‌گرایانه و جهانی‌گرا، این دو را مکمل هم می‌داند و می‌نویسد:

«استدلال من این است که باید هم به خاص و تفاوت و هم به عام و انسجام، هر دو توجه کامل کنیم. استدلال من بر این‌تر است که ما در اواخر قرن بیستم شاهد و شرکت‌کننده در یک فرآیند عظیم دوجبهی هستیم که همزمان متضمن عام‌گردانیدن خاص و خاص‌گردانیدن عام است» (رابرتسون، ۱۳۸۵: ۲۱۳).

در واقع از نظر رابرتسون، با فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی به عنوان ابزار اساسی جهانی شدن، دو دیدگاه نسبی‌گرایی (محلی‌گرا) و جهان‌گرایی در مقابل هم قرار گرفته‌اند. در نسبی‌گرایی، تکیه بر نقد کل‌گرایی و عام‌گرایی است. در جهان‌گرایی تنها بر وجه عام تأکید و وجه خاص‌گرایی نفی می‌شود. موضع رابرتسون در برابر این دو دیدگاه، عام‌شدن خاص و خاص‌شدن عام است. بنابراین این نگرش، دیدگاه رابرتسون را درباره گوناگونی فرهنگی از یکسو و یگانه‌شدن فرهنگی از سوی دیگر مشخص می‌کند. تاملینسون نیز همانند رابرتسون به جهانی - محلی‌گرایانه اعتقاد دارد. او هم به جنبه‌های منفی و هم مثبت جهانی شدن توجه می‌کند. از نظر وی، جهانی شدن در قلمرو فرهنگ به منطقه‌زدایی می‌انجامد؛ یعنی وابستگی فرهنگ به محل و منطقه و سرزمین را از میان برمی‌دارد و به تضعیف قیدوبندها و کوتاه‌فکری‌های محلی‌گرایانه و عقب‌ماندگی فرهنگی منجر می‌شود. او ضمن تأکید بر نقش تجربه با واسطه فرهنگی و کاربرد فراگیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در پیدایش منطقه‌زدایی فرهنگی می‌گوید که در جهان کنونی، قطع پیوند میان تجربه فرهنگی مردم و منطقه زندگی آنها به یک الگوی عام تبدیل شده است. از سوی دیگر او به تبع گیدنز، جهانی شدن را پیامد

مدرنیته می‌داند. به این ترتیب تمام عوارض منفی مدرنیته برای این فرآیند نیز متصور است. تاملینسون ضمن نقد فرهنگ جهانی یکسان‌ساز، بر این باور است که رسانه‌ها و فناوری‌های اطلاعاتی به منطقه‌زدایی کمک می‌کنند و باعث ازجاکنندگی و تضعیف ملی‌گرایی و رفتن به سوی فراملی‌گرایی می‌شوند (تاملینسون، ۱۳۸۱: ۱۴۵-۱۶۸).

از این‌رو تاملینسون نیز به رابطه دیالکتیکی میان تجربه فرهنگ محلی با ساختارها و نیروهای جهانی‌ساز معتقد است. از نظر او، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی همزمان هم خروج از حریم زندگی خصوصی و هم ورود به آن را ممکن می‌سازد. این دوگانگی، ابهام و در واقع دیالکتیک در دیدگاه‌های گیدنز، رابرتسون و تاملینسون کاملاً مشهود است.

کاستلز نیز از تأثیرات دوگانه فناوری‌ها سخن می‌گوید و بر این باور است که جهانی شدن و اطلاعاتی شدن جهان، حوزه‌های مختلف را دگرگون ساخته است؛ از یکسو توان ارتباطی و خلاقیت انسان‌ها را افزایش داده و از سوی دیگر کنترل آنها را بر زمان و مکان سلب کرده است. او هم‌صدا با گیدنز معتقد است که تحولات جهان معاصر و شکل‌گیری جامعه شبکه‌محور، فرآیند سنتی هویت‌سازی را زیر سؤال می‌برد و نوعی بحران هویت پدید می‌آورد. کاستلز وجه غالب بازسای هویت را به هیچ وجه غیر خاص‌گرایانه نمی‌داند و تأکید دارد که در جامعه شبکه‌محور، بازسازی هویت بر پایه اصول کامیونال صورت می‌گیرد که بنیادگرایی دینی، ملی‌گرایی و قومیت، نموده‌های برجسته آن هستند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۱۹).

در واقع کاستلز نیز همانند گیدنز بر تعامل دیالکتیکی محلی و جهانی تأکید دارد و جامعه شبکه‌ای او، ضمن فراهم آوردن فرصت مشارکت سیاسی، ارتباط افقی میان شهروندان و گروه‌ها و انعطاف و انطباق‌پذیری در عرصه سیاسی، زمینه نوعی فردگرایی و فردی شدن سیاست و جامعه و دوری از وفاق و یکپارچگی را فراهم می‌سازد.

دوب در کتاب «سنت و توسعه» می‌نویسد: «ارتباطات همچون شمشیری دو دم است؛

هم می‌تواند به ملت‌سازی کمک کند، هم می‌تواند به پیکره ملی صدمه بزند. در صورتی که از آن در مقابله با کهنه‌پرستی و تیره‌اندیشی استفاده شود، از خود کارایی فراوان نشان خواهد داد. هرچند می‌تواند اتحاد و انسجام ایجاد کند، وی قادر به وسعت بخشیدن و عمیق کردن شکاف‌های اجتماعی هم هست؛ هم می‌تواند بشارت‌دهنده

توسعه باشد، هم بذر ایدئولوژی ضد توسعه را بپراکند» (Dube, 1994: 201-212).

بنابراین دوب در این کتاب به تأثیر دوگانه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی اشاره می‌کند. از نظر او، تأثیرات مثبت ارتباطات با انسجام و وحدت‌بخشی، کاهش شکاف‌های اجتماعی، گروهی و قومی، بر جنبه‌های منفی آن نظیر تشدید شکاف‌ها و منازعات می‌چربد. به این ترتیب به نظر می‌رسد که توجه به دوگانگی تأثیرات فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در تحلیل‌ها، ضروری و اجتناب‌ناپذیر باشد.

الکینس در مقاله «جهان‌گرایی ارتباطات در جوامع مجازی قومی» از نقش فناوری‌های نوین ارتباطی نظیر ماهواره‌های ارتباطی دوربرد بین‌المللی، کانال‌های تلویزیونی بین‌المللی، پست تصویری، اینترنت و اینتلاست در خلق جوامع قومی مجازی می‌نویسد. از نظر وی، جوامع قومی در طول زمان ساخته می‌شدند، حال آنکه ساخت جوامع مجازی قومی، محصول فناوری‌های ارتباطاتی در دوران جدید است.

از نظر الکینس، جوامع قومی مجازی به جوامعی اطلاق می‌گردد که به وسیله فناوری‌های ارتباطی و با توجه به اشتراک در ایستارها، تصورات، علایق، ارزش‌ها و... به هم مرتبط می‌گردند. به نظر او، تشکیل گروه‌های جدید مجازی قومی با افزایش توان و گستره فرامرزی و جهانی آن، می‌تواند حاکمیت و قدرت دولت‌های مستقر را به چالش طلبیده، حتی جوامع قومی پراکنده در سطح جهان را متشکل سازد. تعبیه هویت واحد قومی - فرهنگی در سطح جهان برای گروه‌های پراکنده، از جمله دستاوردهای فناوری نوین ارتباطی است که جوامع پراکنده را برای بهره‌گیری از ابزار حمایتی، اعمال فشار و حتی حکومت به سوی خود می‌خواند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۱۹۲-۱۹۳).

بر این اساس حتی می‌توان بستر و زمینه‌های منازعه قومی در عصر جدید و به شکل مجازی را حاصل فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی دانست.

اندرسون نیز تا حدودی نزدیک به نظر الکینس با طرح «جامعه تصویری» به تشکیل جوامع جدید و تفاوت این جوامع با جوامع سنتی اشاره می‌کند. از نظر او در جوامع سنتی، نمادها و سمبل‌های انسجام جامعه، از طریق مناسک و روابط رودررو بین گروه‌های کوچک منتقل می‌شد. اما در جوامع مدرن، انتقال این نمادها و سمبل‌ها به رسانه‌های ارتباط جمعی واگذار شد. روشن‌فکران و نخبگان جوامع جدید، ابتدا با برقراری

ارتباط از طریق کتاب با اقشار تحصیل کرده و متوسط جامعه و سپس از طریق روزنامه و رسانه‌های ارتباط جمعی و در مرحله بعد از طریق تبلیغات، ترویج تاریخ ناسیونالیستی و آموزش همگانی، به خلق این جوامع کمک کردند (هاچینسون و اسمیت، ۱۳۸۶: ۲۹۴-۳۰۵).
 مجید تهرانیان به دو چهره سازنده و ویرانگر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی اشاره می‌کند. از نظر او، این فناوری‌ها به تنهایی نه سرچشمه درد و نه سرآغاز درمان هستند. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی همانند مدرنیزاسیون (و موج اخیر آن یعنی جهانی شدن) ممکن است به بروز رفتارها و اصول متعارض و دوگانه‌ای منجر گردد و جوامع را از درون دچار مشکل سازد. از نظر وی، مدرنیزاسیون و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، پیامدهای زیر را موجب شده‌اند: ۱- از یک طرف مجال مناسبی فراهم آمده که بازیگران حرف‌های خود را بیان دارند. از این‌رو صدای همگان شنیده می‌شود. کردها، شیعیان، فلسطینیان، تبتی‌ها، تاتارها و صدها بازیگر دیگر که تا چندی پیش از این امکان بهره‌مند نبودند. ۲- به علت نبود مبانی هنجاری و حقوقی مشترک، گفت‌وگوی رخ داده به گفت‌وگوی کران در عرصه ارتباطات بین‌المللی تبدیل شده که ثمره آن نزاع تا همیاری است (تهرانیان و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۶۲؛ خانیکی، ۱۳۸۳-۱۳۸۴: ۱۳-۱۴). از این دید دهکده جهانی مک‌لوهان صرفاً صلح‌آفرین نیست. فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی هم امنیت و هم ناامنی، هم مرکزگریزی و هم تمایل به مرکز و... را به همراه دارد.

معمدنژاد نیز به بررسی نقش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در توسعه ملی می‌پردازد و ضمن اشاره به کارکردهای مثبت و منفی این فناوری‌ها و بررسی نظریه پردازان خوش‌بین و بدبین به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، بر رویکرد ترکیبی تأکید می‌کند (ر.ک: معتمدنژاد، ۱۳۷۱).

علاوه بر این سه رویکرد، مطالعه و بررسی سیر تاریخی نظریه‌های ارتباطات، تأکید بر سه نکته محوری درباره تأثیر رسانه‌ها را نشان می‌دهد:

۱. تأثیر رسانه‌ها به طور مداوم اتفاق می‌افتد. ما همیشه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به وسیله پیام‌های رسانه‌ها تحت نفوذ قرار می‌گیریم.
۲. رسانه‌ها با عوامل دیگر بر زندگی ما اثر می‌گذارند. رسانه‌ها در کنار عوامل دیگر و با توجه به عوامل دیگر مؤثرند.
۳. ما می‌توانیم فرایند تأثیر بر زندگی خویش را کنترل کنیم.

شواهد نظری و عملی تحولات معرفت‌شناختی و دموکراتیک با فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی؛ تئوری‌سازی^۱

با توجه به اینکه مناسب‌ترین تئوری بر مبنای دو معیار انتخاب می‌شود: معیار نزدیکی به حقیقت و معیار قدرت تبیینی^۲ (ساعی، ۱۳۸۶: ۵۵)، به نظر می‌رسد که رویکردهای ترکیبی در تبیین رابطه جهانی شدن و هویت‌های قومی و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی با اقوام، هر کدام بخشی از واقعیت را تبیین می‌کنند. ما در این پژوهش با پذیرش نسبی رویکردهای تلفیقی، ویژگی‌های مهم جهانی شدن و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی را به صورت زیر خلاصه می‌کنیم:

۱. تبدیل شدن اطلاعات به مرکز تصمیم‌گیری (کاستلز، ۱۳۸۰: پ: ۴۴۳)
۲. کاستن از محدودیت زمانی و مکانی
۳. فراگیری تأثیرات فناوری‌های جدید؛ حضور در همه‌جا (همان، ۱۳۸۰: الف: ۶۰-۶۳)
۴. سرعت
۵. تمرکززدایی (کاکو، ۱۳۸۱: ۴۸)
۶. تنوع‌بخشی و انبوه‌زدایی
۷. انعطاف‌پذیری (کاستلز، ۱۳۸۰: الف: ۹۲-۹۵)
۸. شفافیت و علنی بودن (محسنی، ۱۳۸۰: ۱۴۵-۱۴۶)

این ویژگی‌ها و خصیصه‌های جهانی شدن و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، پیامدهای مختلفی را به همراه داشته است؛ پیامدهایی که باعث شدند پژوهشگران از تعبیر مختلف و متفاوتی برای عصر جدید استفاده کنند: عصر فضا^۳، عصر الکترونیک^۴، عصر آفتابی^۵، عصر انفجار اطلاعات، عصر ارتباطات و... . پیامدهای مهم فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی را می‌توان در دو عنوان مرتبط زیر خلاصه کرد.

تحولات معرفت‌شناختی

در عصر جدید با تحولات شگرف، قالب‌های فکری سنتی پاسخگو نیستند. از

1. Theory construction
2. Explanatory power
3. space Age
4. Electronic Age
5. Solar Age

ویژگی‌های عصر جدید، رد ادعای حقیقت‌جویی یا داوری درباره حقیقت است. با جهانی شدن و فناوری‌های جدید، فرهنگ، اندیشه و معرفت نسبی شده‌اند. باید از فرهنگ‌ها، اندیشه‌ها و معرفت‌ها سخن گفت. بر این اساس فرهنگ‌ها، اندیشه‌ها و معرفت‌ها نیز متکثر خواهند شد.

کنار هم قرار گرفتن فرهنگ‌های خاص، ذات‌باوری و مطلق‌گرایی فرهنگی را به شدت متزلزل می‌سازد. اعتقاد به این امر که هیچ‌گونه معیار فرافرهنگی برای ارزیابی فرهنگ‌ها وجود ندارد، زمینه را برای نسبی شدن فرهنگ‌ها فراهم می‌سازد. تصور سنتی از فرهنگ چونان امر مطلق و فراتاریخی بی‌اعتبار می‌شود. به این دلیل است که گی‌روشه می‌نویسد: «در جامعه‌شناسی معاصر عموماً نسبی‌گرایی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است» (روشه، ۱۳۸۰: ۳۹).

ابزار جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی با آگاهی و شناخت از فرهنگ‌های دیگر، زمینه همکاری و نزدیکی فرهنگی را فراهم می‌کند. این ابزار جدید با تبادل معانی و مفاهیم بسیاری از کج‌فهمی‌ها و تابوها را می‌شکنند و با تقویت فرهنگ تساهل و انعطاف‌پذیری نسبت به دیگری، پلورالیسم و چندفرهنگی را در جوامع گسترش خواهد داد (Barber, 2007: 25; Dhawan, 2003: 38).

عصر جدید، دوره پایان ایدئولوژی‌های سرسخت و متعصب خواهد بود. بسیاری از مرزبندی‌های ایدئولوژیک دچار تحول و تزلزل خواهد شد. از زوال ایدئولوژی در کنار تأکید بر انطباق، تعدیل، آمیزش، تفاهم و هم‌زیستی سخن به میان می‌آید. فیلیپ برتون^۱ درباره پیامدهای اینترنت و فضای مجازی می‌نویسد: «مرزهای دنیا بسیار نفوذپذیر، انعطاف‌پذیر و تعاملی می‌شوند و در همه جهات به هم جوش می‌خورند» (برتون، ۱۳۸۲: ۲۲).

بر همین اساس برخی از افراد از افول قوم‌گرایی و ناسیونالیسم سخن می‌گویند. اینگلهارت می‌نویسد: «این احساس که ملت - کشور تجسم برترین ارزش‌ها هستند، در جامعه معاصر اروپا بسیار رنگ باخته است... امروزه بخش بزرگی از مردم نمی‌خواهند برای کشورشان [و قوم یا نژاد و...] بجنگند» (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۶۴-۴۶۵).

1. Philippe Berton

رابرت کوپر نیز معتقد است: «این شیوه بیان هویت جمعی و فردی که در چارچوب آن، فرد خود را وقف جامعه می‌کند، در عصر اتومبیل، اینترنت و تلویزیون ماهواره‌ای دیگر دوره‌اش سپری شده است... هرچه یک جامعه پیشرفته‌تر باشد، شهروندانش هویت‌های بیشتری - اعم از سیاسی، حرفه‌ای، فرهنگی، قومی و منطقه‌ای - خواهند داشت» (کوپر، ۱۳۸۳: ۹۶).

بنابراین به نظر می‌رسد که ایدئولوژی‌های متعصب رو به زوال هستند. ایده فداکاری برای ایدئولوژی‌های سرسخت نظیر نژادگرایی و قوم‌گرایی تعصب‌آمیز در حال افول است. افول ایدئولوژی‌های سرسخت و متعصب به معنای از بین رفتن آنها نیست، بلکه به نظر می‌رسد در عصر ارتباطات، هویت‌های جدید فراقومی، بین‌فرهنگی و جهانی از مقبولیت بیشتری برخوردار خواهند بود. آگاهی از ارزش‌های مشترک و مشکلات مشترک با ابزار جدید ارتباطی، هویت‌های فراقومی، فراملی و بین‌فرهنگی را با رویکردهای فرهنگی - سیاسی و مسالمت‌آمیز به وجود می‌آورد. به نظر برخی از پژوهشگران مسائل قومی، فراگیری، تساهل و تنوع (به جای انحصار و تعصب) از مهم‌ترین ویژگی‌های هویت‌های جدید است (Vancott, 2007: 281-296; Gottlieb & Jenkins, 2007: 299-308).

جابه‌جایی، تغییر و استحاله برخی از ارزش‌های سنتی، مفاهیم سنتی و جنبش‌ها و نهضت‌های سنتی و ظهور ارزش‌ها، مفاهیم و جنبش‌های جدید، حاصل و پیامد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی است. در عصر ارتباطات با امکانات و ابزار ارتباطاتی و اطلاعاتی سنت‌های اجتماعی، ارزش‌های شکل‌گرفته گذشته و هنجارهای جمعی اعم از جنسیت، قومیت، نژاد و... اهمیت گذشته خود را از دست می‌دهند و کم‌رنگ می‌شوند. مفاهیم سنتی نیز به تبع این تحولات، ارزش و تعریف اولیه خود را از دست می‌دهند. البته این کم‌رنگ شدن و کم‌اهمیت شدن به معنای از بین رفتن آنها نیست، بلکه به این معناست که با فناوری‌های جدید، گستره انتخاب‌ها وسعت می‌یابد و روندهای انتخاب، آگاهانه‌تر و متنوع‌تر می‌گردد. بر این اساس اینگلهارت از فراماتریالیسم صحبت می‌کند. از نظر او در عصر فراماتریالیست، تجهیز، جانب‌داری و وفاداری تعصبی حزبی و هویتی، ارزش اولیه خود را از دست می‌دهد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۱۶-۳۷۴).

فضای مجازی و عصر ارتباطات، اعتبار بسیاری از مفاهیم را زیر سؤال می‌برد، سازه‌ها

و معیارهای قبلی به هم می‌ریزد، از استحاله، گسست و انقطاع، سرعت و بی‌سابقه بودن انقطاع پارادایمی، معرفتی و ارزشی سخن به میان می‌آید. بسیاری از پژوهشگران، تغییرات پارادایمی را نتیجه تحولات عظیم و شگرف در فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی می‌دانند. حاتم قادری در این زمینه می‌نویسد: «یکی از عوامل مؤثر در تغییرات پارادایمی در بستر مدرنیته، تحولات شگرفی است که در فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی صورت گرفته و چهره معرفتی و ارزشی بشر را دگرگون کرده است؛ یعنی انقلاب‌هایی که بر اساس اینترنت و ماهواره به وجود آمده و مغزها را متحول کرده است. فناوری و تحولات آن، لزوماً به معنای تحولات ارزشی هم هست. انسان‌ها نمی‌توانند با هرگونه فناوری، همچنان باورها، ارزش‌ها و معرفت سنتی خود را حفظ کنند» (قادری، ۱۳۸۲: ۱۷۹).

در کنار تغییر مفاهیم مهاجرت، شهروندی، ناسیونالیسم و... در عصر ارتباطات، از تغییر رهیافت‌ها درباره ماهیت قومیت، تغییر نسل و تغییر استراتژی‌ها سخن به میان می‌آید. از سه رهیافت کهن‌گرا، ابزارگرا و ساختارگرا درباره ماهیت قومیت، در عصر جدید تأکید بر دو رهیافت اخیر است. در رهیافت ابزارگرا و ساختارگرا، قالب هویت‌های قومی سیال، محتمل، نرم و قابل انعطاف است (Hislope, 2007: 151).

فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی با گسترش آگاهی و شناخت فرهنگ‌ها و تأکید بر عقلانیت و نقد رهیافت کهن‌گرا، موجب تقویت رهیافت ساختارگرا می‌گردند. بر این اساس هویت‌های قومی متولد نمی‌شوند، بلکه ساخته می‌شوند. ساختگی و ابزاری بودن هویت قومی، زمینه ایدئولوژیک شدن روابط و رویکرد تعصبی را از بین می‌برد و روابط انعطاف‌پذیر، سیال و نرم را جانشین آن می‌سازد. عصر ارتباطات، عصر ظهور نسل جدید با رویکردهای جدید است. الگوی نسل جوان از نظر گرایش و رفتار سیاسی در حال تغییر است (Norris, 2003).

در ایران از نسل ماهواره و اینترنت و نسل سوم سخن گفته می‌شود. مهم‌ترین ویژگی‌های نسل سوم در ایران با توجه به فضای جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد: استقبال از جهانی شدن، استقبال از فناوری‌های روز جهان، منابع اطلاعاتی گسترده و دسترسی به جریان آزاد اطلاعات، استقبال از مد، تجمل‌گرایی

و رفاه، تمایل به حکومت دموکراتیک و دید بالنسبه مثبت به غرب، ترجیح مسائل شخصی به جای مصالح جمعی، دید نسبی‌گرا و تکثرگرا، روحیه انتقادی و چالشگر، دید نقادانه به فروریزی آرمان‌شهر، نفی آرمان‌گرایی غیر واقع‌نگر، روحیه نوگرایی، زندگی در آینده، سنت‌شکنی، هنجارآفرینی‌های جدید، پذیرش تسامح دینی، به چالش کشیدن برخی آموزه‌های دینی، برخورد گزینشی با دین، تأویل‌گرایی در برخی از مسائل دینی، ترجیح مرجعیت علمی به جای مرجعیت دینی (نخبگان، اساتید و... به جای روحانیت)، رویکرد جامعه به مسائل فرهنگی، توجه به هر دو بعد فرهنگ ایرانی - اسلامی، نسل ماهواره، پرسشگر، نسل ارزش‌های فراموش‌شده، نسل گریزان از خشونت، نسل معترض و بحران‌زده و... (سریع‌القلم، ۱۳۸۲: ۱۷۳؛ یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۳۹). شرایط نسل سوم، نخبگان را نیز تحت تأثیر قرار داده و نخبگان با توجه به شرایط عصر جدید رفتار می‌کنند و تأثیر می‌گذارند.

در عصر سایبر، استراتژی‌ها نیز تغییر کرده است. سایبر دیپلماسی^۱، قدرت نرم^۲، استفاده از راه‌حل‌های سیاسی - فرهنگی و روش‌های مسالمت‌آمیز، متساهلانه و منعطف و تأکید بر اهمیت افکار عمومی در انتخاب استراتژی‌های عصر جدید در چارچوب انتخاب عاقلانه مؤثرند

(ر.ک: Heiberg, 2007; 229-308; Gottlieb & Jenkins, 2007; UtasCarlsson, 1999;

Potter, 2002; Conway, 2006; Roy, 2005; 387-426).

علاوه بر تحولات و تغییرات یادشده، شاهد ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید به عنوان کارگزاران متناسب با تغییرات جدید هستیم. در عصر ارتباطات، جنبش‌های جدید با استراتژی جدید و اهداف و انگیزه‌های جدید ظهور کرده‌اند. امروزه اینترنت به ابزار مسلم استراتژی جنبش‌های اجتماعی جدید تبدیل شده است. جنبش زاپاتیس‌ها به عنوان اولین جنبش چریکی اطلاعاتی و جنبش سیاتل، نمونه‌هایی از جنبش‌های جدید هستند که موفقیت مبارزات آنها با تکیه بر ابزار جدید ارتباطاتی بود (ر.ک: Chadwick, 1998; Cleaver, 2001; Jeffries, 2006; Oates, 2003; Kaldor, 2003; 124-142).

عصر جدید، عصر ترکیب نظریه‌ها، رشته‌ها و خلأ نظری است. روزنا از «آشوب در

1. Syber-diplomacy
2. Soft power

سیاست جهان» و بسیاری از پژوهشگران از تناقض‌آمیز بودن عصر جدید سخن می‌گویند. در نظریه‌پردازی شاهد ترکیب نظریه‌ها و در رشته‌های مختلف شاهد نوعی تداخل هستیم.

اهمیت توسعه سیاسی و ارزش‌های دموکراسی

بسیاری از نظریه‌پردازان و پژوهشگران معتقدند که در عصر جدید با کوتاه شدن زمان و کوچک شدن مکان و تشدید روابط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، روند توسعه سیاسی تسریع خواهد شد. معیارهای حقوق بشر، احترام به آزادی بیان و مطبوعات، تحمل و مدارا در برابر اقوام و اقلیت‌ها، به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی و قومی، تغییر نگرش مردم نسبت به ملاک‌های مشروعیت و مرجعیت، از مفاهیم و ارزش‌هایی است که در عصر ارتباطات و با ابزار و امکانات آن در حال گسترش است. مفاهیم و ارزش‌های یادشده با استفاده از رسانه‌ها و فناوری‌های جدید مورد پذیرش عموم قرار گرفته است. فناوری‌های جدید از یکسو باعث اشاعه و ترویج اندیشه‌های مردم‌سالارانه و ادبیات لیبرالی می‌گردند و از سوی دیگر با تقویت و گسترش این اندیشه‌ها و ادبیات، زمینه رشد و گسترش توسعه سیاسی را فراهم می‌سازند.

افزایش آگاهی و بیداری سیاسی شهروندان، تأکید بر مشورت و تقویت آن، گفت‌وگوی مداوم و هدفمند، قدرتمند ساختن شهروندان، رهایی از عوام‌فریبی، مشارکت فعالانه، فراگیری و دسترسی همگانی به اطلاعات، افزایش شفافیت، تقویت جامعه مدنی و آزادی‌های مدنی، تقویت تفکر پلورالیستی، تساهل، مدارا و احترام به حقوق دیگران، گسترش و تقویت صلح و رفتار مسالمت‌آمیز، پایبندی و احترام به ارزش‌های حقوق بشر، کاهش اقتدار نهادهای سنتی، شکستن انحصار رسانه‌های دولتی و کاهش قدرت دولت به نفع گروه‌های حاشیه‌ای و اقلیت‌ها از مهم‌ترین عناصر و ویژگی‌های نظام دموکراتیک به شمار می‌آید که نقش فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی (ماهواره و اینترنت) در تحقق آنها انکارناپذیر است.

در ادامه به مهم‌ترین منابعی که به رابطه مثبت فناوری‌های جدید و تقویت ارزش‌های دموکراتیک تأکید دارند، اشاره می‌کنیم: جهانی شدن و دموکراسی (کلارک، ۱۳۸۲)، فراگیر شدن دموکراسی در عصر ارتباطات (اشمیتز، ۱۳۸۳)، با فناوری‌های جدید،

امواج دموکراسی هر روز نقاط مختلفی را فرامی‌گیرد (ر.ک: هانتینگتن، ۱۳۸۳)، فناوری‌های اطلاعاتی، حذف سلسله‌مراتب، قدرت‌یابی مردم و گسترش ارزش‌های دموکراتیک (نش، ۱۳۸۰)، نقش فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی در وفاق و مشارکت سیاسی، سازگارجویی و رفتارهای دموکراتیک (روزنا، ۱۳۸۴)، ظهور جنبش‌های اجتماعی دموکراتیک (Melucci, 1985; Offe, 1995; Rohrschneider, 1993؛ دلاپورتا و ماریو دیانی، ۱۳۸۰)، وب و شبکه‌های قدرت نرم به عنوان مشوق دموکراسی (نای، ۱۳۸۷؛ Nye, 1990)، نقش اینترنت در شکستن کنترل و انحصار رسانه‌ها؛ اینترنت و انتشار مستقیم و بی‌واسطه اخبار (Alexander, 1999)، اینترنت و افزایش مشارکت، تشریک مساعی و گفت‌وگو، تأثیر اینترنت بر کاهش قدرت دولت به نفع گروه‌های حاشیه‌ای، تقویت حوزه عمومی (Chadwick, 2006; Roy, 2005)، تأثیر فناوری‌های جدید در گسترش آزادی و دموکراسی، راهی از عوام‌فریبی و کمک به انتخاب عاقلانه و بهتر (Morrisett, 2003)، رسانه‌های جدید و تقویت پلورالیسم و تساهل (Barber, 2003)، اینترنت ذاتاً دموکراتیک و تلویزیون ذاتاً غیر دموکراتیک است؛ اینترنت و فراگیری، مشارکت فعالانه شهروندان (Schuler, 2003)، اینترنت و تقویت قدرت شهروندان و کاربران (Harper, 2003)، اینترنت و نوید صلح جهانی (Volkmer, 2003)، انقلاب اطلاعات به طور بالقوه یک نیروی دموکراتیزاسیون است (Abbinnett, 2003)، اینترنت و ارتقای جامعه مدنی؛ اینترنت به مثابه فانوس دریایی؛ اینترنت و شفافیت دولت و نهادها (Oates, 2006; Reilly, 2006)؛ رسانه‌های جدید، دموکراسی و فضای عمومی؛ جلوگیری از رفتن به سمت پوپولیسم (McNair, 2003)، اینترنت و تعادل قدرت؛ فرصت‌ها و امکانات برای اقلیت‌های قومی فراهم می‌کند (Alia & Bull, 2005)، اینترنت و پایبندی به حقوق بشر؛ دموکراسی بدون احترام به حقوق بشر ناقص است و حقوق بشر در فقدان دسترسی آزاد و برابر به اطلاعات دست‌نیافتنی است... دسترسی به اینترنت از موضوعات و مؤلفه‌های دموکراسی و حقوق برابر است. از دلایل نقض حقوق بشر فقدان واکنش سریع به متجاوزان و خطاکاران است؛ با اینترنت این ابزار سریع واکنش فراهم می‌شود؛ گام اول و مهم‌ترین گام در حقوق بشر، شناخت و شناسایی جنایتکاران، متجاوزان و خطاکاران است؛ اینترنت به سرعت و آسان این کار را انجام می‌دهد؛ نقش اینترنت در جریان بحران کوزوو و... (Hick et al, 2000).

بر این مبناست که تأکید می‌کنیم عصر الکترونیک با شبکه یکپارچه اطلاعات جهانی به توسعه سیاسی، پلورالیسم، ارزش‌های دموکراتیک، صلح و ارزش‌های حقوق بشر کمک می‌کند. به نظر می‌رسد تغییر شکل انقلاب‌ها، نرم شدن انقلاب‌ها و طرح و اجرای انقلاب‌های رنگی و مخملی نیز در همین چارچوب قابل تفسیر باشد. نظریه زیر در راستای ویژگی‌ها و پیامدهای موصوف و به عنوان راه‌حل تئوریک مسئله و پاسخ نظری به سؤال پژوهش ساخته شد:

«فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به عنوان ابزار اساسی جهانی شدن و یکی از مؤلفه‌های بعد فرهنگی جهانی شدن، با ویژگی‌های یادشده، با دو پیامد عمده یعنی تحول معرفت‌شناختی (نسبی شدن، پایان ایدئولوژی‌های سرسخت، جابه‌جایی، تغییر و استحاله برخی از ارزش‌ها و مفاهیم سنتی، ترکیب نظریه‌ها و...) و اهمیت یافتن توسعه سیاسی و ارزش‌های دموکراتیک، موجب تغییر گرایش‌ها و رفتار اقوام در جهت گرایش‌ها و رفتار مسالمت‌آمیز، انعطاف‌پذیر، متساهلانه، نرم و دموکراتیک بوده‌اند». در این راستا، فرضیه زیر از تئوری یادشده استنتاج شد:

«فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، با ویژگی‌های یادشده، تحولات معرفت‌شناختی و دموکراتیک را به همراه داشته است. تحولات موصوف در تغییر گرایش‌ها و رفتارهای سیاسی کردها به سمت گرایش‌ها و رفتارهای مسالمت‌آمیز، انعطاف‌پذیر، متساهلانه، نرم و دموکراتیک، نقش مؤثری داشته است».

چگونگی تغییر به سمت رفتارهای دموکراتیک و مسالمت‌آمیز با ویژگی‌های هفده‌گانه ماهواره و اینترنت

دهه ۱۳۷۰/م ۱۹۹۰ش همزمان با موج جدید جهانی شدن و فرایند جهانی شدن به معنای واقعی آن است. در این دهه، ماهواره و اینترنت به عنوان حوزه فرهنگی جهانی شدن، نقش مهمی را در دگرگونی و تغییر رفتارها بازی کردند. این رسانه‌ها به عنوان ابزار مهم جهانی شدن، زمینه تغییر رفتار سیاسی را فراهم ساختند. در واقع ماهواره و اینترنت هم زمینه‌ساز تغییر رفتارهای سیاسی به دموکراتیک و مسالمت‌آمیز و هم ابزار واسطه‌ای برای تغییر رفتار به سمت رفتارهای دموکراتیک، نرم و مسالمت‌آمیز به شمار

می‌آیند. نقش این فناوری‌های جدید در تغییر رفتارها در سه محور زیر قابل تحلیل و بررسی است:

الف) ماهیت و ویژگی‌های ماهواره و اینترنت: هریک از ویژگی‌های هفده‌گانه ماهواره و اینترنت یا به طور مستقیم در تغییر رفتارها نقش دارند و یا به طور غیر مستقیم سبب تغییر رفتارها به سمت رفتارهای دموکراتیک، ملایم و مسالمت‌آمیز می‌شوند:

۱- علاقه به اطلاعات خام به جای دانش رسمی و معرفت شکل داده‌شده ۲- ویژگی فراگیری و قابلیت دسترسی همگانی ۳- سرعت و همزمانی ۴- هزینه کم ۵- منابع مالی گوناگون، محتوای متنوع و استقلال نسبی ۶- نگاه غیر مشتری‌گرا یا کمتر مشتری‌گرای رسانه‌های جدید ۷- عدم ضرورت تخصص و حرفه‌ای بودن ۸- کارکردهای مختلف و متنوع رسانه‌های جدید ۹- مؤثر بودن، کارآمدی، عقلانی بودن و صرفه‌جویی در وقت ۱۰- انتشار بی‌واسطه و مستقیم ۱۱- ویژگی تعاملی؛ بازخوردهای فوری ۱۲- چارچوب قابل انعطاف رسانه‌های جدید ۱۳- مرکزگرایی؛ افقی و جریان دوطرفه ۱۴- ویژگی غیر دولتی و غیر رسمی بودن ۱۵- اقلیت‌ها، حاشیه‌ای‌ها، گروه‌های خرد و شهروندان قدرت پیدا می‌کنند. ۱۶- ویژگی منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی رسانه‌های جدید، سراسر جهان را به هم متصل می‌سازد، منافع و افکار شهروندان، سازمان‌ها و گروه‌ها به هم نزدیک می‌شود؛ به هم گره می‌خورد؛ نوعی جامعه مدنی جهانی، شهروندی جهانی، افکار عمومی جهانی و وابستگی متقابل شکل می‌گیرد. به تبع شکل‌گیری این فضای مجازی مشترک، قدرت نرم، دیپلماسی عمومی، مجازی و نرم اهمیت می‌یابد. ۱۷- ویژگی انقلابی و متفاوت اینترنت نسبت به رسانه‌های سنتی، این رسانه را ابزار اساسی فرایند جهانی شدن فرهنگی ساخت. با این رسانه، دنیا کوچک و تبدیل به دهکده شد. هم‌فکری، تفاهم، گفت‌وگو و رسیدن به درک مشترک در قرن بیست و یکم تنها با این دهکده و فضای مجازی امکان‌پذیر است.

با ویژگی‌های یادشده، درک اهمیت ماهواره و اینترنت در تقویت دموکراسی و رفتارهای مسالمت‌آمیز آسان می‌گردد. این رسانه‌های جدید با ویژگی‌های یادشده، موجب افزایش آگاهی شهروندان، کاهش قدرت دولت و تقویت صداهای شهروندان و حاشیه‌ای‌ها می‌شوند و به طور مستقیم یا غیر مستقیم زمینه‌ساز رفتار دموکراتیک، مسالمت‌آمیز و متساهلانه می‌گردند.

ب) عوامل کاهش خشونت: ماهواره و اینترنت با پخش و انتشار شفاف، واقعی و کمتر وابسته به نهادهای قدرت و آموزش شهروندان، آگاهی آنها را افزایش می‌دهند. افزایش آگاهی و اطلاع‌رسانی فراگیر، شفاف، واقعی و بدون وابستگی به دولت‌ها و نهادهای قدرت، نقش مهمی در ایدئولوژی‌زدایی بازی می‌کند. این رسانه‌ها با تقویت قدرت شهروندان و گروه‌های خرد، صدای آنها را به گوش جهانیان می‌رساند. از این‌رو قدرت دولت در برابر جنبش‌ها و شهروندان تضعیف می‌گردد. اما این تضعیف قدرت به معنای ناتوانی در استفاده از خشونت نیست، بلکه به معنای نخواستن است؛ زیرا گفتمان حاکم به هیچ‌یک از دو طرف اجازه اعمال خشونت نمی‌دهد. مشروعیت دولت‌ها و جنبش‌ها در چارچوب قواعد گفتمان حاکم معنی پیدا می‌کند. تساهل، نسبی‌گرایی و ارزش‌های دموکراتیک، مؤلفه‌های گفتمان حاکم است. بنابراین استراتژی دولت‌ها و جنبش‌ها در این چارچوب صورت‌بندی می‌شود؛ راه‌های دیپلماتیک و سیاسی اهمیت می‌یابد؛ امنیتی و نظامی کردن محیط به عنوان آخرین راه‌حل در نظر گرفته می‌شود؛ نخبگان و مذاکره و گفت‌وگو با آنها اهمیت می‌یابد؛ ساختار قانونی - حقوقی، نهادینه و مشخص، تقویت و تشویق می‌گردد.

شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت، احساس نابرابری رسانه‌ای را کاهش می‌دهند و نابرابری‌های کهن، دیرینه و ازلی را به شکل مدرن و در چارچوب خواست‌های دموکراتیک، شهروندمحوری و به دور از تعصب تعریف می‌کنند. این رسانه‌ها با ویژگی‌های هفده‌گانه یادشده، شبکه‌های اجتماعی را تقویت کرده و آلت‌رناتیوهای مختلف برای رسیدن به هدف را فراهم می‌سازند. موارد یادشده در کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز مؤثرند و استراتژی‌های دولت‌ها و جنبش‌ها را به سوی رفتارهای دموکراتیک و مسالمت‌آمیز سوق می‌دهند.

ج) ریشه‌ها، زمینه‌ها و عوامل دموکراتیزاسیون در ایران و کردستان: شکل‌گیری طبقه متوسط جدید و نخبگان جدید، ظهور و بروز تغییرات ارزشی و فرهنگی و شکل‌گیری انواع شکاف‌های اجتماعی، شکاف سنی و نسلی، شکاف جنسیتی، شکاف علمی - آموزشی، شکاف سنت و مدرنیسم و شکاف اقتصادی، شکل‌گیری احزاب و نیروهای سیاسی جدید، تحکیم جامعه مدنی و دموکراسی، توسعه گفتمان مردم‌سالاری دینی و پیدایش و گسترش اندیشه پلورالیسم دینی، ظهور و گسترش رسانه‌های جدید به عنوان عوامل و

فشارهای درونی و فرایند جهانی شدن و ابزار آن نظیر ماهواره و اینترنت و فشارها و تأثیرات بازیگران بین‌المللی و دایاسپورای کردی در جامعه کردهای ایران از مهم‌ترین عوامل و فشارهای بیرونی در تغییر رفتارها به سمت رفتارهای دموکراتیک بوده‌اند.

ماهواره و اینترنت به عنوان ابزار ارتباطی اساسی دهه ۱۳۷۰، نقش مستقیم و غیر مستقیم و در کنار هر کدام از این عوامل در تقویت و تسریع تغییر رفتارها به سمت رفتارهای دموکراتیک داشته است. روشن‌فکران به عنوان هسته اصلی طبقه متوسط جدید در کنار اساتید، دانشجویان، معلمان، کارکنان اداری، نویسندگان، هنرمندان، وکلا، متخصصان، پزشکان و مهندسان، به عنوان اجزای اصلی طبقه متوسط جدید با خواست‌ها و مطالبات دموکراتیک، ماهواره و اینترنت را به خاطر ویژگی‌های خاص آن به عنوان مهم‌ترین رسانه ارتباطی خود برگزیدند. طبقه متوسط جدید ایران از این وسایل جدید ارتباطی برای ترویج و تقویت گفتمان خویش بهره برد.

شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت با توجه به ویژگی‌های هفده‌گانه یادشده، زمینه تغییر ارزش‌ها را فراهم آوردند. ارزش‌های جهانی با ابزار ارتباطی جهانی گسترش یافتند و در تعارض با ارزش‌های سنتی، موجبات شکاف ارزشی، شکاف سنت و مدرنیسم را فراهم آوردند. نسل جدید، طبقه متوسط جدید، جنبش‌های فمینیستی و مدرن‌ها، ابزار ارتباطی جدید را برای ارتباط، کسب و ارسال خبر برگزیدند. احزاب و نیروهای سیاسی جدید نیز برای ارتباط با طبقه متوسط جدید، جذب طرفدار و انتقال آرا، خود را به ابزار ارتباطی مدرن تجهیز کردند. توسعه گفتمان مردم‌سالاری دینی در کنار گفتمان دولت ایدئولوژیک تنها از طریق ابزار ارتباطی غیر رسمی (ماهواره و اینترنت) امکان‌پذیر بود. غیر دولتی بودن، فراگیری و جهانی بودن رسانه‌های جدید، صدای قدرت‌های خرد را در کنار قدرت‌های بزرگ تقویت کرد.

در واقع گروه‌های جدید طرفدار گفتمان جدید، نیازمند ابزاری ارتباطی برای ارتباط با هم و بسط ایدئولوژی خود بودند. ابزار جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی با توجه به ویژگی‌های هفده‌گانه، به خوبی چنین امکانی را برای این گروه‌ها فراهم ساخت.

گسترش فرایند جهانی شدن، فروریختن مرزها و کوچک شدن جهان با ابزار جدید ارتباطاتی و اطلاعاتی صورت گرفت. بخشی از گذار به دموکراسی، امواج دموکراسی و سرایت دموکراسی در سطح جهان (ر.ک: هانتینگتن، ۱۳۸۱)، حاصل فرایند جهانی شدن و

ابزار آن است. ساختار نظام بین‌الملل به‌ویژه در عصر جهانی شدن، عامل اصلی روند گذار به دموکراسی تلقی می‌شود. گفتمان جهانی دموکراسی با امواج انقلاب اطلاعاتی در همه حوزه‌ها و مناطق در حال توسعه و گسترش است. در این میان نخبگان و طبقه متوسط جدید، بیشترین تأثیرپذیری و تأثیرگذاری را در رابطه با این رسانه‌ها و گفتمان دارند. تأثیر وسایل جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی بر دموکراسی و رفتارهای مسالمت‌آمیز به اندازه‌ای است که بشیریه در این باره می‌نویسد: «دموکراسی امروز بدون ارتباطات، رادیو و تلویزیون، مطبوعات، رسانه‌های همگانی، ارتباطات ماهواره‌ای و کامپیوتر امکان ندارد. بدین‌سان جهانی شدن، دموکراسی و گسترش ارتباطات، رابطه‌ای اندام‌وار یافته‌اند»^(۱) (بشیریه، ۱۳۸۱: ۱۷۵).

درباره تأثیر دایاسپورای کردی نیز در ادامه اشاره خواهیم کرد که چگونه تحت تأثیر محیط پایان جنگ سرد و توسعه گفتمان دموکراسی، تغییر استراتژی دادند و از اواخر دهه ۱۹۸۰ با عصر جدید رئالیسم، تساهل، همکاری و توافق میان سازمان‌های کردی و گرایش به سمت استراتژی‌های دموکراتیک و مسالمت‌آمیز را سرلوحه کار قرار دادند. به همین ترتیب با شواهد و یافته‌ها نشان خواهیم داد که این استراتژی چگونه با ابزار ارتباطی جدید، نظیر شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت به جامعه کردهای سراسر جهان و به طور خاص ایران، ترکیه و عراق گسترش و توسعه یافت.

استراتژی بازگشت به دموکراسی و رفتار متساهلانه دایاسپورا؛ شواهد تأثیر ماهواره و اینترنت

دایاسپورا به گروه‌های پراکنده‌ای از مردم با فرهنگ یا زبان مشترک که پیشتر با هویت مشترک در سرزمین اصلی خویش زندگی می‌کرده‌اند، گفته می‌شود (Khayati, 2004; Alinia, 2008: 12). این گروه‌های پراکنده به دلایلی مجبور به ترک سرزمین خود گشته و در نقاط مختلف جهان پراکنده شده‌اند؛ در آرزوی بازگشت به کشور و مکان اصلی خویش هستند و در رسیدن به هدف مشخص و مشترک با هم همکاری می‌کنند؛ هدف آنها فراتر از آرزوهای شخصی است. سابقه پراکندگی کردها به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد. اقتصاد در حال رشد اروپا در این دهه نیاز به نیروی کار داشت. کردها با

توجه به شرایط نامطلوب در کشورهای خویش، اروپا و به‌ویژه آلمان را برای زندگی و کار انتخاب کردند (Ergil, 2007: 337; Van bruinessen, 2000: 4; Alini, 2004: 319-331; Emanuelsson, 2005: 89; khayati, 2008).

سازمان‌ها و جنبش‌های کردی تا دهه ۱۹۸۰، بیشتر تحت تأثیر گرایش‌های چپ و انقلاب‌های خشونت‌آمیز و رادیکال بودند. از اواخر دهه ۱۹۸۰ شاهد عصر جدید رئالیسم، تساهل، همکاری و توافق میان سازمان‌های کردی و گرایش به سمت استراتژی‌های دموکراتیک و مسالمت‌آمیز هستیم. کردهای به‌ویژه کردهای ساکن آلمان، از دهه ۱۹۹۰ بازگشت به دموکراسی را آغاز کردند (Ostergardnielsen, 1998: 126-128; Emanuelsson, 2005: 88).

در واقع با توجه به اینکه استراتژی‌های جنبش‌های اجتماعی جدید و گفتمان حاکم بر افکار عمومی جهان، دولت‌ها و نظام بین‌الملل در چارچوب ارزش‌های دموکراتیک و رفتار مسالمت‌آمیز صورت‌بندی می‌شود، گروه‌های پراکنده کرد تحت تأثیر این استراتژی‌ها، گفتمان و محیط و در تعامل با آن، استراتژی خود را تدوین می‌کنند. پژوهش‌های متعددی از این تغییر استراتژی‌ها حکایت دارند؛ دایاسپورای کردی و حمایت از دموکراسی و صلح، تحت تأثیر صلح و دموکراسی پس از پایان جنگ سرد و وقایع آفریقای جنوبی، توافق سازمان‌های کردی به توسعه همکاری و رفتار متساهلانه تحت تأثیر سازمان‌های دموکراتیک اروپا (Sheikhmous, 2000: 18-19)؛ تأکید بر ورود مبارزات کردها به مرحله جدید؛ با تمرکز بر دموکراسی، حمایت از حقوق انسانی و توجه به گفتمان صلح و راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز (Emanuelsson, 2005: 170-208).

بنابراین گروه‌های پراکنده (دایاسپورای کردی) در تقویت ناسیونالیسم کردی با تعریف جدید تأثیر داشته‌اند. تحت تأثیر شرایط، محیط و گفتمان جدید، استراتژی‌های جدیدی انتخاب و با توجه به شرایط دموکراتیک و فضای نسبتاً آزاد درصدد گسترش افکار و عقاید ناسیونالیستی خویش با این استراتژی جدید برآمدند. محیط و شرایط دموکراتیک غرب از یکسو، شرایط و ساختار نظام بین‌الملل، نگاه ابزاری و فایده‌گرایانه به جنبش‌های دایاسپورا از سوی دیگر، فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی (به‌ویژه ماهواره و اینترنت) را به ابزار محوری در جهت انتقال و گسترش این افکار با استراتژی جدید تبدیل کرده است. به همین دلیل است که در دهه ۱۹۹۰ شاهد تأسیس و

راه‌اندازی ایستگاه‌های ماهواره‌ای کردی و افزایش رسانه‌های اینترنتی در اروپا و آمریکا، ارتباط با کردهای ترکیه، عراق و ایران هستیم. در واقع دایاسپورای کردی و سازمان‌های وابسته به آنها در این دهه به بخشی از فرایند جهانی شدن و سیاست جهانی تبدیل شدند. مسائل کردها، مذاکرات و گفت‌وگوهای پیرامون آنها در دهه ۱۹۹۰ توجه جهانی را به آنها جلب کرد. عمده‌ترین دلیل توجه جهانی به مسئله کردها در دهه ۱۹۹۰، دایاسپورای کردی و ابزار ارتباطی آنها بوده است (Alinia, 2004: 37).

اهمیت ارتباط جمعیت دایاسپورای کرد با سرزمین اصلی‌شان، نقش و تأثیر ماهواره و اینترنت را به عنوان ابزار ارتباطی آشکار می‌سازد. در سال ۱۹۹۵، اولین ایستگاه تلویزیونی ماهواره‌ای به نام MED-TV راه‌اندازی شد. با دستگیری اوجلان در ۱۹۹۹ و به دنبال آن توقیف پخش برنامه‌های این ایستگاه، ایستگاه Medya-TV راه‌اندازی شد و به تدریج شاهد گسترش ایستگاه‌ها و شبکه‌های کردی هستیم. کانال‌هایی نظیر TV Roj, Zagros TV, Kurdsat, Kurdistan TV, و ایستگاه و شبکه‌های رادیویی نظیر Radio Rojhelat, Radio Mesopotamia, Radio Nawa و... با ارائه افکار و استراتژی جنبش‌های جدید در زمینه انتقال ناسیونالیسم کردی، فعال هستند.

همان‌طور که اشاره شد، هویت‌سازی و ارتباط کردهای سراسر جهان با هم و به طور خاص، ارتباط و انتقال افکار به کردهای سرزمین اصلی‌شان، علاوه بر ماهواره از طریق اینترنت نیز صورت می‌گیرد. افزایش شمار وب‌سایت‌های کردی، وبلاگ‌ها، انتشارات آنلاین، تالارها و اتاق‌های گفت‌وگوی مجازی، نمونه‌هایی از این ارتباط در فضای مجازی است. سایت‌هایی نظیر Z kurd, Kurdistan Net, Kurdistan Press, Kurdish Info, 4 Rojhelat, Kurdish News, Kurdish Kordistan Observer, Kurdistan Post, We kurd, Kurdish Media Globe, Renesans, که بین گروه‌های دایاسپورا با هم و با کردهای سرزمین اصلی‌شان ارتباط و تعامل ایجاد می‌کنند. اطلاع‌رسانی از طریق Email و اتاق‌های گفت‌وگو از طریق MSN, Yahoo و به‌ویژه Paltalk، نقش بسیار مهمی در ارتباط کردهای سراسر جهان با هم دارد. بیشتر سایت‌های خبری مهم به ابزار ارتباطی تعاملی^۱ نظیر تویتر^۲، یوتیوب^۱، فیس‌بوک^۲ و

1. Interactive
2. Twitter

وبلاگ‌ها^۳ و خدمات وب نظیر دریافت خبرنامه^(۲)، موبایل^(۳)، آراس اس^(۴) و پادکست^(۵) مجهز هستند که زمینه ارتباط مستقیم و انتقال بی‌واسطه اطلاعات را فراهم می‌سازند. در ادامه به چند نمونه از تأثیر فناوری‌های جدید در پیوند، مشارکت و ارتباط میان کردها اشاره می‌کنیم:

۱. پژوهش‌هایی که به اهمیت تلویزیون‌های ماهواره‌ای و اینترنت در به چالش کشیدن دولت‌های ترکیه، عراق و ایران و نقش این رسانه‌ها در توسعه فرهنگ و زبان کردی اشاره دارند (Hassanpour, 2003) و تحقیقاتی که به بیداری جهان، دولت‌های ترکیه و عراق و انتقال مشکلات و تقاضاهای کردها به وسیله دایاسپورا از طریق رسانه‌ها می‌پردازند (Ergil, 2007).
۲. نقل قول‌ها و مصاحبه‌هایی که بر اهمیت دایاسپورا و رسانه‌ها تأکید دارد؛ «ما از طریق دایاسپورا و رسانه‌های آنها از دستگیری اوجلان آگاه شدیم و پیگیری و حمایت از اوجلان را به واسطه دایاسپورای کردی و رسانه‌های آنها انجام می‌دادیم» (Emanuelsson, 2005: 151) تأکید بر زنده نگاه‌داشتن مسئله کردی توسط دایاسپورا و رسانه‌های آنها و نقش مرکز فرهنگی کردی^۴ و ارتباط رسانه‌ها با آن در جنگ خلیج فارس (Emanuelsson, 2005: 135-137).
۳. حضور جمعیت زیادی از کردها در گردهمایی سلیمانیه عراق در سال ۲۰۰۶؛ اطلاع‌رسانی این گردهمایی از طریق اینترنت بود، از طریق ایمیل و اتاق‌های گفت‌وگو در Yahoo, Paltalk و MSN. این شیوه اطلاع‌رسانی، رضایت‌بخش ارزیابی شد. کردهای سراسر جهان همچنین در گفت‌وگویی که مرکز غیر انتفاعی و مستقل حلبچه علیه ژنوساید و انفال^۵ از طریق Paltalk در سال ۲۰۰۱ برگزار کرده بود، شرکت کرده و توجه جهان را به جنایت‌های عراق در انفال علیه کردها جلب نمودند (Khayati, 2007: 93-95).

1. You tube
2. Face book
3. Blogs
4. Kurdish cultural center
5. Anfal

نتیجه‌گیری

این مقاله با توجه به فقدان تئوری مناسب درباره رابطه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی با رفتارهای سیاسی کردها، به منظور فرموله کردن دستگاه نظری مناسب در این زمینه پیگیری شد. دیدگاه معتقد به تشدید هویت‌های قومی، دیدگاه معتقد به کاهش ستیزه‌های قومی و نگرش ترکیبی در تبیین تئوریک رابطه جهانی شدن و هویت‌های قومی طرح شد. با ذکر نظریه‌های معتقد به کاهش منازعات قومی، تنش و تشدید منازعات قومی و رویکرد تلفیقی، به تبیین تئوریک رابطه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی با هویت‌های قومی پرداختیم. پس از بررسی این نظریه‌ها، با پذیرش نسبی رویکرد ترکیبی، ویژگی‌های جهانی شدن و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی بیان شد و با خلاصه کردن پیامدهای این فناوری‌ها در دو محور کلی، معرفت‌شناختی و دموکراتیک، پاسخ نظری به سؤال مقاله ارائه گردید. فرضیه زیر از این نظریه استنتاج گردید: «فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، با ویژگی‌های یادشده، تحولات معرفت‌شناختی و دموکراتیک را به همراه داشته است. تحولات موصوف در تغییر گرایش‌ها و رفتارهای سیاسی کردها به سمت گرایش‌ها و رفتارهای مسالمت‌آمیز، انعطاف‌پذیر، تساهل‌آمیز، نرم و دموکراتیک، نقش مؤثری داشته‌اند».

به استناد یافته‌های حاصل از نظریه‌ها، شواهد تاریخی و موردی و داده‌های ثانوی، نتایج زیر در راستای تأیید فرضیه مقاله به دست آمد:

۱. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی و جامعه قومی، دو متغیر اصلی این مقاله از ابعاد فرهنگی جهانی شدن به شمار می‌آیند.
۲. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی از عوامل مهم تغییر و دگرگونی رفتارهای سیاسی محسوب می‌شوند. از یکسو رسانه‌های جدید نظیر ماهواره و اینترنت در کنار عوامل دیگر بر زندگی ما اثر می‌گذارند و از سوی دیگر ما قادریم فرایند تأثیر بر زندگی خویش را کنترل کنیم.
۳. با پذیرش نسبی رویکردهای ترکیبی تبیین رابطه جهانی شدن و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی با هویت‌های قومی، شواهد نظری حاکی از افزایش آگاهی

- شهروندان، هم‌گرایی و نزدیکی فرهنگی، گسترش و تقویت ارزش‌های دموکراتیک، رفتارهای مسالمت‌آمیز و انعطاف‌پذیر بیان شد.
۴. با ذکر هشت ویژگی اصلی فرایند جهانی شدن و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی، پیامدهای این فناوری‌ها در دو محور کلی به استناد شواهد و یافته‌های نظری و ثانوی ذکر شد. در بعد تحولات معرفت‌شناختی به شواهدی از نسبی‌گرایی فرهنگی، پلورالیسم و چندفرهنگی، زوال ایدئولوژی‌های سرسخت و متعصب، تغییر استراتژی‌ها و مفاهیم، ظهور نسل جدید با ویژگی‌های جدید، ظهور جنبش‌های جدید و ترکیب نظریه‌ها و رشته‌ها اشاره کردیم. در زمینه اهمیت توسعه سیاسی و ارزش‌های دموکراتیک نیز مهم‌ترین منابع و یافته‌ها درباره تأثیر این فرایند و ابزار آن در گسترش ارزش‌های دموکراتیک ذکر شد.
۵. با اشاره به استراتژی جدید دایاسپورای کردی (رفتار دموکراتیک و مسالمت‌آمیز) تحت تأثیر زمینه‌ها و فضای دموکراتیک، چگونگی انتقال این استراتژی از طریق ماهواره و اینترنت با شواهد ثانوی و موردی تشریح شد.
۶. نقش ماهواره و اینترنت در تغییر رفتارها به سمت رفتارهای مسالمت‌آمیز و دموکراتیک در سه محور بررسی شد؛ ماهیت و ویژگی‌های هدف‌گانه این ابزار، نقشی که در کاهش خشونت و زمینه‌سازی دموکراتیزاسیون دارند. با تحلیل نقش این ابزار و بیان چگونگی تأثیر بر رفتارها، رابطه معنی‌دار بین این ابزار و رفتارهای مسالمت‌آمیز و دموکراتیک مورد تأیید قرار گرفت.

پی‌نوشت

۱. در تکمیل این دیدگاه باید گفت که در جوامع شبه‌دموکراتیک و جوامعی که رسانه‌های سنتی تحت کنترل دولت و نهادهای اقتدارگراست، این رسانه‌های جدید با ویژگی‌های هدف‌گانه ذکر شده هستند که زمینه دموکراسی را فراهم می‌سازند.
۲. به ایمیل شخصی کاربران، خبرهای مهم ارسال می‌شود.
۳. دسترسی به اخبار سایت‌ها و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی از طریق تلفن همراه.

۴. برنامه Realy Simple Syndication (RSS) نوعی برنامه مرورگر است که پس از نصب و تنظیم برنامه‌ها و موضوعات دلخواه، به طور خودکار کاربران را به صفحه یا صفحات آخرین اخبار مورد علاقه کاربر هدایت می‌کند.
۵. Podcasts: برنامه‌های ویدئویی و رادیویی که روی اینترنت به طور رایگان و مستقیم قابل دسترسی است.

Archive of SID

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۱) «جهانی شدن، هویت قومی یا هویت ملی؟»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۱۳-۴۳.
- اشمیتز، فیلیپ (۱۳۸۳) «دموکراسی، اتحادیه اروپا و مسئله مقیاس»، در: جهانی شدن، قدرت و دموکراسی (مجموعه مقالات)، گردآوری مارک پلاتنر و الکساندر اسمولار، ترجمه سیروس فیضی و احمد رشیدی، تهران، کویر.
- ان فراست، آلن (۱۳۸۰) «جهانی شدن و امنیت ملی، دستورکار استراتژیک»، ترجمه احمد دلیر، در: گفتمان امنیت ملی، کتاب دوم، جهانی شدن، تهران، مؤسسه مطالعات سیاسی، فرهنگی اندیشه ناب.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، روزنه.
- برتون، فیلیپ (۱۳۸۲) آیین اینترنت، تهدیدی برای پیوند اجتماعی؟، ترجمه علی اصغر سرحدی و ن. جمشیدی، تهران، امیرکبیر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۱) دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران (دوره جمهوری اسلامی ایران)، تهران، نگاه معاصر.
- بلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۳) جهانی شدن سیاست، روابط بین‌الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، جلد دوم، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
- تاملینسون، جان (۱۳۸۱) جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- تهرانیان، مجید و دیگران (۱۳۸۰) «ارتباطات بین‌المللی و فرایند جهانی شدن؛ مشکلات ناشی از ظهور پارادایم تازه»، در: جهانی شدن؛ چالش‌ها و ناامنی‌ها، به اهتمام اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خانیک، هادی (۱۳۸۳-۱۳۸۴) «بنیان‌های مطالعات ارتباطات و توسعه ملی در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸ و ۲۹، صص ۱۳-۱۴.
- دلپورتا، دوناتلا و ماریو دیانی (۱۳۸۰) مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کویر.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۵) جهانی شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران، ثالث.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۹) «نظریه روابط بین‌الملل در دنیای جهانی شده»، ترجمه پیروز ایزدی، فصلنامه سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره ۲، صص ۳۶۱-۳۷۴.
- روزنا، جیمز (۱۳۸۴) آشوب در سیاست جهان (نظریه‌ای درباره دگرگونی و پیوستگی)، ترجمه علیرضا

طیب، تهران، روزنه.

روشه، گی (۱۳۸۰) تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نی.

ساعی، علی (۱۳۸۶) روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی)، تهران، سمت.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۲) «ویژگی‌ها، افکار و پیامدهای ظهور نسل سوم نخبگان در ایران»، در:

نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، رویکرد فلسفی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و

ادبی به پدیده شکاف نسلی، تهیه و تنظیم علی‌اکبر علیخانی، تهران، جهاد دانشگاهی،

پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

قادری، حاتم (۱۳۸۲) «انقطاع نسل‌ها؛ انقلابی کامل»، در: نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، رویکرد

فلسفی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی به پدیده شکاف نسلی، تهیه و

تنظیم علی‌اکبر علیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰ الف) عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)، ترجمه

احد علیقلیان و دیگران، جلد اول، تهران، طرح نو.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰ ب) عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)، ترجمه احد

علیقلیان و دیگران، جلد دوم، تهران، طرح نو.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰ پ) عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ (پایان هزاره)، ترجمه احد

علیقلیان و دیگران، جلد سوم، تهران، طرح نو.

کاکو، میچو (۱۳۸۱) چشم‌اندازها، انقلاب‌های علم در قرن بیست و یکم، ترجمه یوسف اردبیلی،

تهران، ققنوس.

کلارک، یان (۱۳۸۲) جهانی شدن و نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه فرامرز تقی‌لو، تهران، مرکز

چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

کوپر، رابرت (۱۳۸۳) همگرایی و واگرایی، ترجمه سیروس فیضی و احمد رشیدی، در جهانی شدن،

قدرت و دموکراسی (مجموعه مقالات)، گردآوری مارک پلاتنر و تاکساندر اسمولار، تهران، کویر.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۱) جهانی شدن، فرهنگ و هویت، تهران، نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مرکز.

لاتوش، سرژ (۱۳۷۹) غربی‌سازی جهان، ترجمه امیر رضایی، تهران، قصیده.

محسنی، منوچهر (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران، دیدار.

مرل، مارسل (۱۳۷۴) نقش عوامل فرهنگی در روابط بین‌الملل، ترجمه احمد نقیب‌زاده، اطلاعات

سیاسی - اقتصادی، سال دهم، شماره ۹۹-۱۰۰، صص ۳۵-۴۰.

معتدزاد، کاظم (۱۳۷۱) ارتباطات توسعه و توسعه ارتباطات در ایران، نقش ارتباطات در پیشبرد

برنامه‌های توسعه ملی و اهمیت برنامه‌ریزی برای توسعه ارتباطی، تهران، دانشگاه علامه

طباطبایی.

معمدنژاد، کاظم [گردآورنده و مترجم] (۱۳۸۰) مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی، تهران، فاران.

مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰) تحولات قومی در ایران؛ علل و زمینه‌ها، تهران، موسسه مطالعات ملی.

نای، جوزف، اس (۱۳۸۷) قدرت در عصر اطلاعات، از واقع‌گرایی تا جهانی شدن، ترجمه سعید میرترابی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نش، کیت (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کویر.

هاچینسون، جان و آنتونی اسمیت (۱۳۸۶) ملی‌گرایی، ترجمه مصطفی یونسی و علی مرشدی‌زاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

هانتینگتن، ساموئل (۱۳۸۱) موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شهما، تهران: روزنه.

هانتینگتن، ساموئل (۱۳۸۳) فرهنگ، قدرت و دموکراسی، در جهانی شدن، قدرت و دموکراسی (مجموعه مقالات)، گردآوری مارک پلاتنر و الکساندر اسمولار، ترجمه سیروس فیضی و احمد رشیدی، تهران، کویر.

یوسفی، نریمان (۱۳۸۳) شکاف بین نسل‌ها؛ بررسی تجربی و نظری، تهران، جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.

- Abbinnett, R (2003) *Culture and Identity Critical Theories*, London: Sage.
- Alia, V & S, Bull (2005) *Media and Ethnic Minorities*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Alexander, J (1999) "Representing Violence in Matabeleland, Zimbabwe: Press and Internet Debates", In T, Allen & J, Seaton (eds), *The Media of Conflict: War Reporting and Representations of Ethnic Violence*, London: Zed Books.
- Alinia, M (2004) *Spaces of Diasporas: Kurdish Identities, Experiences of Otherness and Politics of Belonging*, Sweden, Goteborg University.
- Barber, B.R (2003) "Which Technology and Which Democracy", In H, Jenkins & D, Thorburn (eds), *Democracy and New Media*, Massachusetts: The MIT Press.
- Bell, D (1992) *Global Communication, Culture and Values*, New York.
- Castells, M (1997) *The Power of Identity*, Oxford, Black Well.
- Castles, S (2000) *Ethnicity and Globalization*, London, Sage Publ.
- Chadwick, A & C, May (2003) *Interaction between States and Citizens in the Age of the Internet, E-government in the United States, Britain and the European Union*, *Governance* 16 (2).
- Chadwick, A (2006) *Internet Politics: States, Citizens, and New communication Technologies*, Oxford University Press.
- Cleaver, H.M (1998) "The Zapatista Effect: The Internet and the Rise of an Alternative Political Fabric", *Journal of International Affairs* 51 (2).

- Conway, M (2006) "Cyber Cortical Warfare: Hizbollah's Internet Strategy", in S, Oates, et al (eds), *The Internet and Politics: Citizens, Voters and Activist*, London: Routledge.
- Dhawan, N (2007) *Impossible Speech, on the Politics of Silence and Violence*, Academia Verlage.
- Doutsche, K.w (1966) *Nationalism and Social Communication*, Cambridge, The M.I.T Press.
- Dube, S.C (1994) *Tradition & Development*, New Delhi, Vikas Publishing House, PVT.Ltd.
- Emanuelsson, A (2005) *Diaspora Global Politics: Kurdish Transnational Networks and Accommodation of Nationalism*, Doctoral Dissertation Department of Peace and Development Research, Gothenburg University, Sweden.
- Ergil, D (2007) "PKK: The Kurdistan Workers Party", In M, Heiberg, et al(eds), *Terror, Insurgency, and the State: ending Protracted Conflicts*, Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Giddens, A (1996) *Beyond Left and Right* Blackwell, Cambridge, Basil.
- Gottlieb, E.E & J.C (2007) *Jenkins, Can Violence Be Regulated?*, In J.C, Jenkins & E.E, Gottlieb (eds), *Identity Conflicts, Can Violence be Regulated?*, London: Transaction Publishers.
- Harper, C (2003) "Journalism in a Digital Age", In H, Jenkins & D, Thorburn (eds), *Democracy and New Media*, Massachusetts: The MIT Press.
- Harvey, D (1989) *The Condition Of Post Modernity*, Oxford, Blackwell.
- Hassanpour, A (2003) *Diaspora, Homeland and Communication Technologies*, In Karim, H, K (ed.) *The Media of Diaspora*, London, Routledge.
- Heiberg, M, et al (eds) (2007) *Terror, Insurgency, and the State: ending Protracted Conflicts*, Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Held, D (1996) *Democracy and the Global Order From the Modern State to Cosmopolitan Governance*, Stanford, CA, Stanford University Press.
- Hislope, R (2007) "from Expressive to Actionable Hatred: Ethnic Divisions and Riots in Macedonia", In J.C, Jenkins & E.E, Gottlieb (eds), *Identity Conflicts, Can Violence be Regulated?*, London: Transaction Publishers.
- Kaldor, M (2003) *Global Civil Society: An Answer to War*, Uk: Polity Press.
- Khayati, K (2007) *Kurds in Turkey, From Total Denial to Folkloric Existence*, *Kurdish Globe*, No.110.
- Khayati, K (2008) *From Victim Diaspora to Transborder Citizenship? Diaspora Formation and Transnation Relations Among Kurds in France and Sweden*, Linkoping University.
- Ma, S.Y (1999) *Reciprocal Relation Between Political Development and Ethnic Nationalism*, *The Social Science Journal*, Volume 36, No 2.
- March, L (2006) "Virtual Parties in a Virtual World: The Use of the Internet by Russian Political Parties", In S, Oates, et al(eds), *The Internet and Politics: Citizens, Voters and Activist*, London: Routledge.
- Mcnaair, B (1999) *An Introduction to Political Communication*, NewYork, Routhledge Press.

- Mcnaair, B (2003) *An Introduction to Political Communication*, NewYork, Routledge Press.
- Melucci, A (1985) *The Symbolic Challenge of Contemporary Movements*, Social Research 52.
- Morrisett, L (2003) "Technologies of Freedom?", In H, Jenkins & D, Thorburn (eds), *Democracy and New Media*, Massachusetts: The MIT Press.
- Norris, P (2003) *Digital Divide: Civic Engagement, Information Poverty, and the Internet Worldwide*, NewYork: Cambridge University Press.
- Nye, J.s (1990) *Bound to Lead, The Changing Nature of American Power*, NewYork, Basic Books.
- Oates, S, et al (eds) (2006) *The Internet and Politics: Citizens, Voters and Activist*, London: Routledge.
- Oates, S, et al (eds) (2006) *The Internet and Politics: Citizens, Voters and Activist*, London: Routledge.
- Offe, C (1985) "New Social Movements: Chllenging the Boundries of Institutional Politics", *Social Research* 52.
- Ostergaard-Nielsen, E.K (1998) *Diaspora Politics: The Case of Immigrants and Refugees from Turkey Residing in Germany Since 1980*, D.Phil. Thesis in Politics, Faculty of Social Studies, University of Oxford.
- Potter, E.H (ed) (2002) *Cyber-Diplomacy*, Montreal, Quebec: Mc Gill-Queens University Press.
- Reilly, P (2006) "Civil Society, the Internet and Terrorism: Case Studies from Northern Ireland", In S, Oates, et al(eds), *The Internet and Politics: Citizens, Voters and Activist*, London: Routledge.
- Rohrschneider, R (1993) "Impact of Social Movements on the European Party System", *The Annals of the American Academy of and Social Sciences*, 528, July.
- Roy, S (2005) *Globalisation, ICT and Developing Nations: Challenges in the Information Age*, New Delhi: Sage.
- Scholte, J.A (2000) *Globalization*, PALGRAVE.
- Schuler, D (2003) "Reports of the Close Relationship Between Democracy and the Internet May Have Been Exaggerated", In H, Jenkins & D, Thorburn (eds), *Democracy and New Media*, Massachusetts: The MIT Press.
- Sheikhmous, O (2000) *Crystallisation of a New Diaspora. Migration and Political Culture Among the Kurds in Europe*, Center for Research in International Migration and Ethnic Relations, University of Stockholm.
- Slaughter, A.M (1997) *The Real New word Order*, *Foreign Affairs*, Vol. 76. No.5.
- Spears, R, & M, Lea (2006) "Panacea or Panopticon: The Hidden Power in Computer Mediated Communication (CMC)", *Communication Research* 21 (4).
- Utascarlsson, K (1999) *Violence Prevention and Conflict Resolution*, Malmo: Department of Educational and Psychological Research.
- Iran, *The Case of Simko's Revolt*, In R.Tapper (ed) *The Conflict of Tribe and State in Iran and Afghanistan*, London, Crom-Helm.
- Van Bruinessen, M (1999) *Migrations, Mobilizations, Communications and the globalization of the Kurdish Question*, Working Paper, No.14, Islamic Area

- Studies Project, Tokyo.
- Van Bruinessen, M (2000) Transnational Aspects of the Kurdish Question, Working Paper, Robert Schuman Center for advanced Studies, European University Institute, Florence.
- Vancott, D.L (2007) "The Intercultural Construction of Public Authority in Latin America", In J.C, Jenkins & E.E, Gottlieb (eds), Identity Conflicts, Can Violence be Regulated?, London: Transaction Publishers.
- Volkmer, I (2003) "Beyond the Global and the Local: Media Systems and Journalism in the Global Network Paradigm", In H, Jenkins & D, Thorburn (eds), Democracy and New Media, Massachusetts: The MIT Press.

Archive of SID